

# کتاب مقدس درباره کاپیتالیسم چه می گوید؟

تعریف فرهنگ لغت از کاپیتالیسم به این صورت است: « یک نظام اقتصادی که در آن پایه‌های یک سیستم اقتصادی بر روی مالکیت خصوصی ابزارهای تولید اقتصادی است و در دست مالکان خصوصی قرار دارد و از این برای ایجاد بهره‌مندی اقتصادی در بازارهای آزاد و رقابتی استفاده می‌شود؛ که به این قانون، آزادی مالکیت شخصی نیز گفته می‌شود؛ که معنای آن، تولید و توزیع کالا هاست». کتاب مقدس نامی از واژه کاپیتالیسم نبرده است اما بسیار زیاد در مورد مسائل اقتصادی حرف زده است. به عنوان مثال، تمامی قسمت های کتاب امثال و بسیاری از داستان های عیسی مسیح درباره مسائل اقتصادی می باشد. بر این اساس ما می دانیم که چه برخوردی با ثروت داشته باشیم و یک مسیحی چگونه باید مسائل مالی خود را مدیریت کند. کتاب مقدس همچنین توضیحی درباره طبیعت انسانی ما می دهد که به ما کمک می کند تا بتوانیم موفقیت ها و شکست های احتمالی اقتصادی در جامعه را ارزیابی کنیم.

از آنجایی که قسمت بیشتر زندگی روزمره ما مربوط به مسائل اقتصادی می شود ، پس باید از بُعد کتاب مقدسی آن را ارزیابی کنیم. زمانی که از کتاب مقدس به عنوان معیار استفاده می کنیم، می توانیم با ساخت مدلی از دولت و اقتصاد شروع کنیم که باعث آزاد کردن نیروی بالقوه انسان و محدود کردن ذات گناه آلود او می شود. خداوند در پیدایش فصل ۱ آیه ۲۸ می گوید که باید زمین را رام کنیم و بر آن مسلط شویم. یک جنبه ی این گفته این است که انسان ها می توانند دارای خود را داشته باشند و بر آن سلطه کنند. از آنجایی که ما حقوق و اختیار اموال شخصی خود را داریم، پس باید این آزادی را نیز داشته باشیم که آنها را در بازار آزاد جایی که تبادل خدمات و کالا امکان پذیر است معامله کنیم.

اما با توجه به شدت گناه، بخش زیادی از این دنیا به فساد و تباهی کشیده شده است. اگرچه خداوند قدرت و اجازه تسلط بر مخلوقاتش را به ما داده است اما ما هم باید خدمتکاران خوبی برای منابع در دست خود باشیم. بر اساس تاریخ، سیستم دادوستد آزاد بیشترین آزادی و موثرترین دست آوردهای اقتصادی را در بین همه سیستم هایی که تا کنون ابداع شده اند فراهم کرده است. با این همه، مسیحیان نمی دانند که آیا می توانند از کاپیتالیسم حمایت کنند یا نه. در واقع، منفعت شخصی پاداش سیستم کاپیتالیستی آزاد است. حتی کتاب مقدس نیز به منفعت فردی اشاره می کند، برای اینکه به نفع شخصی ماست که به عیسی مسیح ایمان بیاوریم تا سرنوشت ابدی ما تضمین شود.

از بُعد مسیحی، پایه و اساس مالکیت شخصی در این است که ما به شکل خدا آفریده شده ایم. ما می توانیم در مورد اموالی تصمیم بگیریم که می شود در سیستم بازار معامله کرد. اما بعضی وقتها تمایل برای مالکیت خصوصی از ذات گناه آلود ما سرچشمه می گیرد. به همین دلیل، ذات گناه آلود ما تنبلی، غفلت و سستی را به وجود می آورد. واقعیت این است که عدالت اقتصادی زمانی به بهترین شکل بدست می آید که هر شخص مسئول قدرت تولید خودش باشد.

از نظر تاریخی، کاپیتالیسم تعدادی مزایا داشته است. نیروی بالقوه اقتصادی را آزاد می کند. همچنین شرایط لازم برای آزادی سیاسی و اقتصادی را فراهم می کند. وقتی دولت بازار را کنترل نمی کند، آزادی

اقتصادی برای فعالیت های کارآفرینی وجود خواهد داشت. کاپیتالیسم تا اندازه زیادی باعث آزادی سیاسی هم می شود، برای اینکه وقتی نقش دولت در سیاست را محدود می کنیم، می توانیم نقش او در بخش های دیگر را نیز محدود کنیم. اکثر کشورهای آزادی های سیاسی را دارند معمولا آزادی اقتصادی بیشتری نیز دارند و این یک موضوع تصادفی نیست.

اما مسیحیان نمی توانند و نباید همه ابعاد کاپیتالیسم را تصدیق کنند. به عنوان مثال، بسیاری از حامیان کاپیتالیسم دارای دیدگاهی به نام فایده گرایی هستند، که این موضوع در تضاد با کتاب مقدس است. مطمئنا ما باید این طرز فکر را رد کنیم. همچنین مسائل اقتصادی و اخلاقی مشخصی وجود دارند که باید در نظر گرفته شوند. گرچه تعدادی انتقاد درست به سیستم کاپیتالیسمی وجود دارد مانند امتیاز انحصاری و پیامدهای آلودگی محیطی، که اینها را می توان با دخالت محدود دولت کنترل کرد اما زمانی که کاپیتالیسم عاقلانه کنترل می شود، رونق چشمگیر اقتصادی و آزادی اقتصادی را برای مردم خود به وجود می آورد.

یکی از بحث های اصلی ضد کاپیتالیسم طمع است، به همین دلیل بسیاری از مسیحیان درباره سیستم دادوستد آزاد اطمینان خاطر ندارند. منتقدان کاپیتالیسم می گویند که این سیستم مردم را حریص و طماع می کند. اما ما باید بپرسیم که آیا واقعا سیستم کاپیتالیستی مردم را طماع می کند و یا مردم حریص و طماع از این سیستم برای رسیدن به اهداف خود استفاده می کنند؟ بر اساس توضیح کتاب مقدس درباره ذات انسان (ارمیا فصل ۱۷ آیه ۹) ، احتمال دومین مورد بیشتر است. برای اینکه مردم گناه کار و خودخواه هستند و از این سیستم برای ارضاء حرص و طمع خود استفاده می کنند. اما این مطلب خیلی انتقاد به کاپیتالیسم نیست بلکه درک شرایط ذاتی انسان است. هدف کاپیتالیسم تغییر افراد بد نیست بلکه هدفش حفاظت از مردم خوب در برابر آنهاست. کاپیتالیسم سیستمی است که در آن آسیب مردم بد به جامعه را به حداقل می رساند و مردم خوب برای انجام کارهای خوب آزادی دارند. کاپیتالیسم می تواند به خوبی با انسان های درستکار همکاری کند. اما به همین صورت با مردم خودخواه و حریص نیز رفتار می کند.

دانستن این نکته مهم است که فرقی بین منفعت شخصی و خودخواهی وجود دارد. همه مردم منفعت شخصی دارند که می شود به روش غیرخودخواهانه به آنها رسید. به عنوان مثال، پیدا کردن شغل و کسب درآمد برای حمایت از خانواده، منفعت شخصی است. می توانیم این کار را به روش هایی انجام بدهیم که خودخواهانه نیستند. بر عکس، سیستم های دیگر اقتصادی مانند سوسیالیسم، تعریف کتاب مقدسی از ذات انسان را نادیده می گیرند. در نتیجه، اجازه می دهند که قدرت اقتصادی به دست عده ای از افراد حریص و طماع بیفتد. کسانی که از تاثیر شرکت های مادر بر زندگی ما شکایت می کنند باید گزینه سوسیالیستی را نیز در نظر بگیرند که در آن طبقه ثروتمند دولتی تمامی ابعاد زندگی انسان را کنترل می کنند.

گرچه حرص و طمع گاهی در سیستم کاپیتالیستی مشهود است، اما باید بدانیم که ایراد از آن سیستم نیست بلکه طمع قسمتی از ذات گناه آلود انسان است. راه حل، تغییر سیستم اقتصادی نیست بلکه تغییر قلب مردم با قدرت انجیل عیسی مسیح است.

